نعمت‌ا... نصیری
(۱۳۵۷ – ۱۲۸۹ هـ.ش)

سومین رئیس ساواک و از نظامیان طرفدار شـاه بود. وی در جریان کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، مأموریت داشـت که حکم عزل دکتر مصدق را به دست او برساند. نصیری پس از ابلاغ این حکم، به دستور دکتر مصدق بازداشت شد. او پس از کودتای ۲۸ مرداد، بیش از پیش مورد توجه شاه قرار گرفت و به ریاست ساواک رسید. نصیری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دستگیر و به اعدام محکوم شد.

گفت و گو

◆ ◆ ◆

خاطرات داریوش اسدزاده، بازیگر پیش کسوت از مهرداد پهلبد

شوهر صوری شاهدخت شمس!

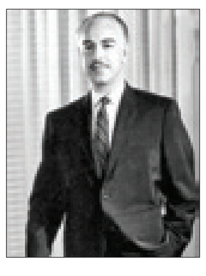

هفته گذشته مهرداد پهلبد، همسر شمس پهلوی، بر اثر کهولت سن، در خارج از کشور در گذشت. این موضوع بهانه‌ای شد تا کارنامه او بازخوانی شود و آشنایان، درباره پیشه و پیشینه وی، به بیان خاطرات خود بپردازند. استاد داریوش اسدزاده، هنرمند نام‌آشنای کشور، خاطرات خود از مهرداد پهلبد را در گفت و گو با مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران بیان کرده است که در پی می‌آید.

چند روز پیش خبر رسید که عزت‌ا... مین‌باشیان، معروف به مهرداد پهلبد، شوهر شمس پهلوی، در ۱۰۲ سالگی فوت کرده است. با عنایت به حضور مداوم شما در عرصه هنر، شناختتان از او چقدر بود؟

من خانواده این ها را می‌شناختم. او پسر نصرا... مین‌باشیان، یکی از بهترین ویولنیست‌ها بود که با فرزندانش، به بچه‌های رضاشاه درس می‌داد. خود عزت، یک ویولنیست متوسط بود و ابداً در سطح پدرش نبود. او بعد از مدتی، با توجه به این که شمس از فریدون جم، شوهر اولش، جدا شده بود، با وی ازدواج و از یک زندگی متوسط، به یک زندگی درباری راه پیدا کرد. در مجموع، شاه از او و شمس خوشش نمی‌آمد و این‌ها در کاخ اختصاصی خود، در مهرشهر کرج زندگی می کردند. عزت مین‌باشیان پس از ازدواج با شمس و به توصیه او، فامیلش را هم عوض کرد و شد پهلبد! از او خوشم نمی‌آمد و او هم از من خوشش نمی‌آمد! هر وقت هنرمندان خارجی را به محفلی دعوت می کردند، وزارت فرهنگ و هنر آن زمان، عده‌ای از هنرمندان داخلی را هم دعوت می کرد. پهلبد جلوی در می‌ایستاد و از همه استقبال می کرد. به من هم کارت دعوت داده بودند و نمی‌توانستم نروم. با لباس رسمی هم می‌رفتیم. معمولا این جور وقت ها یکدیگر را می دیدیم و البته من هم سعی می کردم اصلا او را نبینم!

در ورای این روابط کاری، شما شناختی هم از نوع ارتباطِ به اصطلاح همسرانه او با شمس پهلوی به‌دست آورد ید. این شناخت سربند چه واقعه‌ای برای شما پیش آمد؟

ماجرا از این قرار بود که یک بار آمدیم برای هنرمندان زمین بگیریم و خانه بسازیم. من جزو هیئت‌مدیره سندیکای هنرمندان آن زمان بودم؛ سال ۱۳۵۳، من بودم و مرحوم فردین و محمد متوسلانی و چند نفر دیگر هم بودند. نشستیم و تصمیم گرفتیم هر کدام از ما در دیدار با پهلبد، برای مطرح کردن این تصمیم، راجع به چه چیزی صحبت کند. قرار شد من راجع به زمین و ساختمان و خانه صحبت کنم. رفتیم پیش پهلبد و بچه‌ها شروع کردند به صحبت کردن. همه حرف زدند تا رسید به من. گفتم: ما با تمام مراکزی که می‌توانستیم راجع به منزل و بیمه هنرمندان با آن‌ها صحبت کنیم، صحبت کردیم. در ادامه گفتم: زمین‌های مهرشهر کرج فراوان‌اند و البته ما پولش را پرداخت می کنیم. پهلبد به محض این که صحبت از زمین‌های مهرشهر کرج شد، پرید به من که «آقا!... (انگار داشت با نوکرش حرف می‌زد) این زمین‌ها که مال من نیست، مال والاحضرت است!» گفتم: «می‌دانم؛ شما واسطه شوید که به ما از این زمین‌ها بدهند». زمین‌های زیادی بودند؛ شمس همه را به‌نام خودش زده بود و مال خودش می‌دانست.

همین خاطره نشان نمی‌دهد که امثال پهلبد، شوهران صوری بودند و حق دخالت در امور مربوط به همسر خود وحتی حق وساطت هم نداشتند؟

شوهرهای اولشان هم صوری بودند. شوهر اول شمس، جم بود. شوهر اول اشرف، قوام بود. رضاشاه به‌زور به این افراد شوهرشان داده بود؛ چون در خفا آبروریزی بالا می‌آوردند. بعد از رضاشاه که زور از روی سرشان برداشته شد، هر دو از شوهران تحمیلی جدا شدند و افراد جدیدی را انتخاب کردند. مشکل این ها هم این بود که این افراد انتخابی خودشان هم پس از چندی، از چشمشان می‌افتادند؛ لذا نهایتا قرار بر این شد که این ها شوهران صوری بمانند و زنانشان هم، به کارهای خودشان برسند.

شرحی از اجرا و شکست کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲

فرار شاه و ثریا در دقیقه ۹۰

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

ثریا و شاه در ایتالیا

شاه شخصیت متزلزلی داشت. او مرد روزهای سخت نبود؛ این نکته را تمام اطرافیانش می‌دانستند. شاید این خصوصیت شاه، یکی از دلایلی بود که او را به سمت و سوی دیکتاتوری و ایجاد اختناق در ایران سوق می‌داد. محمدرضا پهلوی از هر نوع مخالفتی بیمناک بود. او در صورت بروز اعتراضات یا بالا گرفتن مخالفت‌ها، به سرعت خود را می‌باخت و در پی ساده‌ترین و سریع‌ترین روش، برای برون رفت از بحران می گشت. مجموعه اقدامات و واکنش‌های شاه در برابر اعتراضات، مخالفت‌ها و حتی محدودیت‌هایی که طی دوران سلطنتش تجربه کرد، مؤید این دیدگاه است. او در بیشتر مواقع، ترجیح می‌داد به جای آن که صدای معترضان را بشنود، آن را خاموش کند. به دیگر سخن، پهلوی دوم، از حل کردن مسائل، عاجز و شاید بیمناک بود و پاک کردن صورت مسئله را، بهترین راه رفع مشکلات و اعتراضات تصور می کرد. با این حال، شاه در مواقع اضطراری، همیشه راهکار دومی را هم مد نظر داشت و آن گریختن از مهلکه بود. به گواهی اطرافیانش، او در این مواقع، هیچ گاه نقشه فرار را از ذهنش دور نمی کرد. نخستین دغدغه ذهنی شاه در مواجهه با اعتراضات مردمی یا روبه‌رو شدن با حریف سیاسی قدرتمند، آماده بودن هواپیمای شخصی و خلبان مخصوصش بود تا بتواند در صورت لزوم، از کشور فرار کند. نخستین باری که او نقشه دوم را انتخاب کرد، مردادماه سال ۱۳۳۲ بود.

■ تقابل با استعمار پیر

قیام ۳۰ تیرماه سال ۱۳۳۱ و پیروزی مردم در به زیر کشیدن قوام‌السلطنه از سریر قدرت، نشان داد که مردم در حمایت از دولتی که خود آن را بر کشیده بودند، از هیچ اقدامی فروگذار نمی کنند. شاه که پس از استعفای ناگهانی مصدق، خود را در آستانه یک پیروزی بزرگ می‌دید و می‌خواست از قوام‌السلطنه به مثابه پلی به سوی ایجاد رژیم سیاسی مد نظر خود استفاده کند، حالا چاره‌ای جز تحمل دکتر مصدق، سیاستمدار کهنه کاری که از حمایت آیت‌ا... کاشانی و قاطبه مردم ایران برخوردار بود، نداشت. درست چند روز پس از قیام ۳۰ تیر بود که دادگاه بین‌المللی لاهه نیز، رأی خود را در دعوای نفتی ایران و انگلیس، به سود ایران صادر کرد و این اتفاق، شاه را در تنگنای شدیدتری قرار داد. با این حال، تنها شاه نبود که از تحولات سیاسی جدید ایران، متضرر می‌شد؛ در آن سوی مرزها، انگلیسی ها از خشم، مانند مار به خودشان می‌پیچیدند! آن ها حاضر نبودند منافع چند صد میلیون پوندی سالانه خود را از صنعت نفت ایران، به سادگی واگذار کنند. از طرفی، شرایط سیاسی و اقتصادی انگلیس، پس از جنگ جهانی دوم، به گونه‌ای نبود که بتواند به‌تنهایی از عهده مقاومت مردم ایران برآید. به همین دلیل، انگلیسی ها کوشیدند تا نظر موافق آمریکایی‌ها را برای سرنگون کردن دولت دکتر مصدق جلب کنند. در همین زمینه، پروژه نشان دادن مصدق به عنوان چهره‌ای متمایل به کمونیسم و شوروی، کلید خورد؛ موضوعی که آمریکایی‌ها به شدت به آن حساس بودند. تلاش انگلیسی ها، سرانجام جواب داد و آمریکایی ها، پس از آن که نتوانستند دکتر مصدق را برای پذیرش داوری یک طرفانه خود مجاب کنند، دست به کار سرنگون کردن وی شدند. در واقع، طرح کودتا علیه دولت دکتر مصدق، با عنوان «عملیات چکمه»، از مدت‌ها قبل توسط سازمان‌های امنیتی انگلیس طراحی شده بود و برای اجرا، تنها به همکاری آمریکایی‌ها نیاز داشت.

■ تحولات ناخوشایند داخلی

در داخل ایران نیز، پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، حوادث ناخوشایندی رقم خورد که مهم‌ترین آن ها، بروز اختلاف میان دو رهبر اصلی نهضت ملی، یعنی دکتر محمد مصدق و آیت‌ا... سید ابوالقاسم کاشانی بود. برخی معتقدند که این اختلافات با هدایت عناصر نفوذی بیگانه، آغاز شد و به تدریج شدت گرفت. این ادعا، اگر چه می‌تواند تا حدی مقرون به صحت باشد، اما همه واقعیت را در بر نمی گیرد. واقعیت آن است که رویکرد دکتر مصدق در فاصله گرفتن از همسنگران پیشین، راه را برای نفوذ عناصر بیگانه هموار کرد. او بیش از حد به افرادی که روابط مشکوکی با سفارت انگلیس داشتند، اعتماد می کرد؛ فضل‌ا... زاهدی، مجری کودتا، یکی از این افراد بود که در دولت مصدق، مدتی مسئولیت وزارت کشور را برعهده داشت و زمانی نیز، برای گریختن از تعقیب قانونی، در مجلس شورای ملی متحصن شده بود. از سوی دیگر، برخی از اطرافیان و نزدیکان دکتر مصدق، مانند دکتر عبدالحسین فاطمی هم، در بروز شکاف میان رهبران نهضت ملی نقش داشتند و آگاهانه یا ناآگاهانه در آتش اختلافات می‌دمیدند.

شخص دکتر مصدق نیز، در تحولات ناخوشایند داخلی، نقش داشت. او پیوسته از مجلس تقاضای اختیاراتی را می کرد که از آن بوی دیکتاتوری به مشام می‌رسید؛ رویکردی که به شدت دوستان قدیمی او را آزرده خاطر می کرد و در ردیف دشمنانش قرار می‌داد. با این حال، دکتر مصدق به هیچ کدام از نصایح خیرخواهانه اطرافیانش وقعی ننهاد. برخی معتقدند که او در جریان قیام ۳۰ تیر، دچار توهم حمایت مطلق مردم از خود شده بود و گمان می کرد، تنها محبوبیت او بوده که مردم را به میدان آورده است. این در حالی بود که طبق اسناد تازه انتشار یافته وزارت خارجه آمریکا، جاسوسان این کشور و نیز، وابستگان سفارت انگلیس، در میان اطرافیان دو طرف، حضور فعال داشتند و از دامن زدن به اختلافات، کوتاهی نمی کردند. با انحلال مجلس شورای ملی توسط دکتر مصدق، او مرتکب اشتباهی خطرناک شد. به این معنا که مهم‌ترین سد راه احتمالی را از مسیر اجرای کودتا برداشت. در چنین شرایطی، زاهدی می‌توانست به راحتی دولت را ساقط و به دلیل فقدان مجلس، دولت خود را تا تشکیل مجلس جدید، قانونی معرفی کند. در همین اوضاع و احوال بود که آمریکایی‌ها، طرح «عملیات چکمه» را با عنوان «عملیات آژاکس» به اجرا درآوردند و «کرمیت روزولت»، مقام بلندپایه امنیتی آمریکا، برای نظارت بر اجرای کودتا، وارد تهران شد. در پی توافق قطعی انگلیس و آمریکا برای ساقط کردن دولت ملی در ایران، کانون‌های اجرای کودتا در کشور فعال شدند و افرادی مانند «اشرف پهلوی»، مخفیانه به ایران بازگشتند و نقش مؤثری در اجرای نقشه برعهده گرفتند. نیمه شب ۲۵ مردادماه سال ۱۳۳۲، نعمت‌ا... نصیری، حکم عزل دکتر مصدق را به منزل وی بُرد و یگان‌های نظامی که برای اجرای کودتا در نظر گرفته شده بودند، در سطح شهر تهران مستقر شدند؛ اما نخست‌وزیر که از طریق سازمان افسران حزب توده و با واسطه اعضای بلندپایه این حزب، در جریان وقوع کودتا قرار گرفته بود، دستور بازداشت افسران و عوامل شرکت کننده در کودتا را صادر کرد.

■ فرار به بغداد

شاه که از ابتدا، از این اقدام بیمناک بود، بدون کوچک‌ترین مقاومتی، به همراه همسرش، ثریا اسفندیاری و با استفاده از هواپیمای شخصی، تهران را به مقصد بغداد ترک کرد. «بری»، سفیر آمریکا در عراق که روز ۲۶ مردادماه ۱۳۳۲ با شاه دیدار کرده است، در گزارش خود به وزارت خارجه آمریکا، به افسردگی و استیصال وی اشاره می کند. محمدرضا پهلوی، در نخستین تجربه فرارش، سر از ایتالیا درآورد و تا رسیدن خبر سقوط دولت مصدق، در رُم ماند. پس از فرار شاه، اجتماعات و میتینگ‌های متعددی در دفاع از دولت برگزار شد که شرکت کنندگان برخی از آن ها، خواستار ساقط کردن رژیم شاهنشاهی بودند. یکی از تندترین اظهار نظرها در این باره، توسط دکتر سیدعبدالحسین فاطمی ابراز شد. او در روزنامه خود، «باختر امروز»، شاه و دربار را مورد حملات شدید قرار داد و در تیتری جنجالی، محمدرضا پهلوی را «خائنی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد» معرفی کرد. روزنامه دکتر فاطمی، در شماره روز ۲۶ مرداد ۱۳۳۲، رضاخان را نیز از حملات خود بی‌نصیب نگذاشت و با درج تصاویری از به زیر کشیدن مجسمه وی در تهران، از او با عنوان «قلدر میرپنج» نام برد.

■ شکست پس از پیروزی

به نظر می‌رسید که نقشه کودتا، با شکست روبه‌رو شده است. اما، رویکرد دکتر مصدق در اداره امور و بی توجهی او به هشدارهای آیت‌ا... کاشانی، شرایط را برای تجدید کودتا فراهم کرد. به این ترتیب، روز ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲، دولت مصدق ساقط شد و فضل‌ا... زاهدی، به‌عنوان نخست‌وزیر کودتا، قدرت را در دست گرفت. این اقدام در حالی انجام شد که دکتر مصدق، چند هفته قبل، مجلس هفدهم را منحل و عملاً راه را برای قانونی جلوه دادن اقدام شاه در عزل نخست‌وزیر هموار کرده بود. شاه چند روز بعد، با حمایت کامل آمریکا و انگلیس، به ایران بازگشت. به این ترتیب، ماجرای نخستین فرار محمدرضا پهلوی به پایان رسید و دوران دیکتاتوری او آغاز شد.

گزارش تاریخی

◆ ◆ ◆

جدایی بحرین از ایران
بازی شاه در زمین انگلیس

در سال ۱۳۵۰، یعنی هفت سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دولت بریتانیا قصد خود را برای خروج از خلیج فارس عملی کرد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، در همین حال، شیخ‌نشین‌های سواحل خلیج فارس، طبق معاهدات قرن نوزدهم، تحت‌الحمایه انگلستان بودند و ایران نیز، بر سر حاکمیت بحرین با بریتانیا، دچار اختلاف شده بود.

شاه کوشید تا برای این مشکل، راهکاری بیابد؛ راهکاری که هم به پرستیژ داخلی و بین‌المللی وی آسیب نزند و هم انگلیسی ها را ناراحت نکند! به همین دلیل بود که پهلوی دوم، به زعم خودش، دست به معامله‌ای بزرگ با انگلیسی‌ها زد و در ازای به رسمیت شناختن استقلال بحرین، موضوع حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را مطرح کرد. این در حالی بود که بر اساس اسناد تاریخی، هم بحرین جزو قلمرو ایران محسوب می‌شد و هم جزایر سه گانه.

یکی از راه‌هایی که محمدرضا پهلوی برای توجیه این اشتباه محاسباتی خود به کار گرفت، تبلیغ این مسئله بود که بحرین هیچ ارزش راهبردی و درازمدتی برای ایران ندارد! بر اساس این سیاست، مدام گفته می‌شد که نگهداری بحرین، هزینه‌های زیادی خواهد داشت و در عین حال، این جزیره کوچک نمی تواند هیچ کمکی به کشور بکند.

برای نمونه، عباس مسعودی، سناتور و گرداننده روزنامه اطلاعات گفته بود: «بحرین از نظر منابع طبیعی وضعیت چشمگیری ندارد. در این سرزمین، مثل دیگر شیخ‌نشین‌ها، کشاورزی وجود خارجی ندارد. از سیر تا پیاز و به قول معروف از سفیدی گچ تا سیاهی زغال خود را از خارج وارد می کند.» شاه هم می گفت: «اکثریت ساکنان آن جزیره عرب هستند و به زبان عربی سخن می گویند. به لحاظ اقتصادی، مجمع‌الجزایر بحرین دیگر اهمیت ندارد؛ زیرا نفت آن جا تمام شده و صید مروارید نیز صرفه اقتصادی ندارد. از نظر اهمیت استراتژیکی و سوق‌الجیشی، باوجود تسلط ایران بر تنگه هرمز، آن جزایر ارزشی ندارد.»

صرف نظر از این که با این استدلال ها نمی‌توان از تمامیت ارضی کشور و مرزهای سرزمینی ایران چشم‌پوشی کرد، این پرسش مطرح است که آیا واقعا بحرین برای ایران مزیت و منافع اقتصادی به همراه نداشت؟ در پاسخ به این پرسش باید بگوییم که اگر حتی از مزیت‌های امروزی بحرین چشم بپوشیم، در زمان مورد بحث، یعنی سال ۱۳۴۷، میزان بهره‌برداری از چاه های نفتی این منطقه بیش از سه میلیون و ۸۰۰ هزار تُن بود. افزون بر این، در بحرین، به‌جز منابع نفت، منابع دیگری مانند آلومینیم نیز وجود داشت که با استخراج آن و احداث کارخانه آلومینیم‌سازی، سود بسیاری به دست می‌آمد. همچنین، صنعت صید ماهی آن منطقه نیز وضعیت خوبی داشت.

ماجراهای شیرین و پندآموز در ستون **حکایت**
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

زیباترین
و به یادماندنی‌ترین
سخنان مشاهیر
سخن بزرگان
در صفحه «همشهری سلام»

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۱۰۹۹– بدینوسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای مجید عباسی عزت آبادی فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست آقای فرهاد حسین آبادی علیه شما به خواسته مطالبه وجه موجب رای شماره ۹۷۰۹۹۷۷۵۰۷۹۰۰۵۵۷ مورخه ۱۳۹۷/۰۵/۱۵ در پرونده کلاسه ۹۶۱۰۹۹ به اینکه حکم بر محکومیت ۱- پرداخت مبلغ یک میلیون تومان بابت افت وارده به خودرو وفق نظریه کارشناسی و ۲- پرداخت مبلغ چهل و پنج هزار تومان بابت هزینه درج آگهی ۳- پرداخت مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان بابت دستمزد کارشناسی ۴- پرداخت مبلغ یکصد و پنج هزار تومان بابت تمبر تامین دلیل و مبلغ سی و سه هزار و هفتصد و پنجاه هزار تومان بابت هزینه دادرسی مطالبه وجه در حق خواهان محکوم شده اید مراتب بدینوسیله در روزنامه درج می گردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه ظرف بیست روز پس از درج آگهی قابل واخواهی در همین شعبه است. م الف ۲۰۰۹۳ – مسئول دفتر شعبه ۱۹۴ شوراهای حل اختلاف مجتمع شماره ۴ مشهد
/۹۷۰۸۲۷۶۳م